

با راویان

گفتگویی صمیمی با تهیه‌کنندگان ضمیمه فرهنگی - دانش‌آموزی روایت

یک سال واندی از چاپ پیش‌دفترا «روایت»، ضمیمه فرهنگی - دانش‌آموزی مجله، می‌گذرد. در این میان آنچه از طرف شما بوده است و در نامه‌هایتان بیان کرده‌اید، محبت و لطف بوده است و آنچه از سوی «راویان» بوده است، دغدغه هر چه بهتر و مفیدتر کردن ضمیمه‌ای که مال شماست. در این شماره به جمع دست‌اندرکاران روایت، گروهی از فارغ‌التحصیلان سازمان، رفته‌ایم تا با اعضای شورای سردبیری این مجله گفتگوی جامعی داشته باشیم، در این گفتگو سعی کرده‌ایم در پرسشهای خود پاسخ خیلی از سؤالات شما را بگیریم.

آقایان محمد پزشکی، علی کاشفی‌پور، سعید شریعتی و خانمها شیواخلیلی، فاطمه صبرآموز، مهشید چایچی، به عنوان اعضای شورای سردبیری ضمیمه روایت و خانم سلامه مصدقی به عنوان مسئول امور گرافیک ضمیمه، در مصاحبه با ما شرکت کرده‌اند.

«سمپاد»

○

○

○

سمپاد: عنوان مجله روایت، «فرهنگی - دانش‌آموزی» است، تعریف شما از «فرهنگ» چیست؟

خلیلی: با نام خدا، فرهنگ به نظر من یک ارتباط نزدیک با درک و بینش آدمی دارد و شاید پیامد آن باشد.

چایچی: به عقیده من فرهنگ وسیله‌ای است که انسان بتواند از آن استفاده کند و یک قدم به جلو برود.

صبرآموز: یک تعریف کوچک هست که از خودم نیست و آن این است: اثری که دانسته‌ها روی رفتار آدمی می‌گذارند را فرهنگ گویند.

کاشفی‌پور: هرکسی به طور خودآگاه یا ناخودآگاه جهان‌بینی دارد که برنامه زندگی خود را بر طبق آن انجام می‌دهد. فرهنگ آن مبانی است که جهان‌بینی آدمی براساس آن رفتار او را پایه‌ریزی می‌کند.

پزشک: به نظر من فرهنگ در واقع همان سریان مذهب در زندگی است و بقیه چیزها که تحت نام فرهنگ عنوان می‌شود زیر مجموعه آن هستند.

شریعتی: فرهنگ تجلی یک اعتقاد است در رفتار و مشی‌زندگی، یعنی یک مجموعه آداب و رسوم است که از دل یک اعتقاد و تفکر برخاسته است، هر چه این تفکر قوی‌تر باشد آن فرهنگ نیز قوی‌تر و محکم‌تر است.

سمپاد: نقش «هنر» در کار فرهنگی چگونه است، چرا «فرهنگ» با «هنر» این قدر مخلوط شده است؟

شریعتی: هر فرهنگ یک سری ابزار دارد که بارزترین آنها هنرهای است که در قالب آن فرهنگ می‌گنجد، چون هنر زبان مشترک فرهنگ‌هاست. هر فرهنگ برای اینکه نشان دهد پویا و زنده است احتیاج به زبان تکلم دارد، نوک پیکان هر فرهنگ هنرهای وابسته به آن است.

چایچی: به قول رهبر معظم انقلاب: «هیچ تفکری در تاریخ ثبت نمی‌شود مگر اینکه با هنر آمیخته شود.»

کاشفی پور: یکی از علت‌هایی که این اختلاط را سبب شده است، این است که نقش فرهنگ در هنرها و برعکس آن بسیار آگاهانه‌تر مورد بررسی قرار داده شده است. اما در زمینه‌های دیگر مثل اقتصاد و سیاست و غیره به این شدت بررسی صورت نگرفته است.

خلیلی: اگر برای انتقال، ابراز، یا پایدار کردن فرهنگ در خودمان علم و سیاست و هنر... را در نظر بگیریم عرصه هنر بازتر است و هنر عام‌فهم‌تر و قابل‌مطرح کردن است.

پزشک: هنر یک ابزار است که می‌تواند در کار فرهنگی و انتقال از آن استفاده شود و این نقش می‌تواند خیلی مؤثر باشد، چرا که بیان زیبایی‌ها - به تعریف مشهور از هنر - همیشه جذاب است و این اگر در خدمت فرهنگ باشد در فراگیر شدن آن نقش بسزایی را ایفا می‌کند.

سمپاد: رسانه‌ها (روزنامه، مجله، رادیو، تلویزیون و...) تا چه حد می‌توانند فرهنگ ساز باشند؟ صبرآموز: به طور کلی اگر بگوییم رسانه چیزی است که با جمع سروکار دارد و فرهنگ هم یک چیز جمعی است فقط رسانه‌ها می‌توانند در انتقال آن نقش ایفا کنند، چون بر همه تأثیر می‌گذارد.

پزشک: رسانه‌ها حداکثر کاری که می‌توانند بکنند - در بهترین شرایط - انتقال فرهنگ است و در هیچ صورتی نمی‌توانند فرهنگ ساز باشند و اگر هم چیزی بسازند، آن چیز فرهنگ نیست، هر چند ظاهر آن بسیار شبیه به فرهنگ باشد.

کاشفی پور: رسانه‌ها هر چند نمی‌توانند فرهنگ ساز باشند ولی می‌توانند فرهنگ را تغییر دهند.

چایچی: البته تغییر دادن فرهنگ توسط رسانه، بستگی به قوت آن و سن مخاطبین دارد.

سمپاد: خصوصیات فرهنگ پیشرو و «غالب» چیست؟

پزشک: هیچوقت نباید در اذهان، خصوصاً ذهن قشر جوان این تصور پیش بیاید که فرهنگشان کهنه شده است زیرا در این صورت طالب فرهنگ نوینی خواهند بود، پویایی لازمه یک فرهنگ غالب است.

شریعتی: فرهنگ خوب فرهنگی است که از یک تفکر و اعتقاد قوی برخاسته باشد، اما اینکه فرهنگ چه موقع می‌تواند غالب هم باشد بستگی به ارائه، ابزار و ابزارمندان آن فرهنگ دارد، مثلاً فرهنگ اسلام همیشه در اوج قدرت است، اما عرضه کنندگان آن قدرت کافی ارائه آن را ندارند. به خاطر همین متأسفانه هم اکنون یک فرهنگ غالب و پیشرو نیست، البته مسلماً غالب بودن تنها، بیانگر خوب بودن یک فرهنگ نیست.

سمپاد: به کار خودتان بپردازیم، چه شد که نسبت به وجود مجله‌ای چون «روایت» احساس نیاز کردید؟

خلیلی: به علت کمبود فعالیتهای فرهنگی در سطح سازمان و این که اکثر سمینارها و کارسوقها و برنامه‌های داخل سازمان نوعاً به کارهای علمی می‌پرداختند، بر آن شدیم که به صورت «مجله» یک کار فرهنگی را آغاز کنیم. بعد درباره کلیات و برای رسیدن به نقطه نظرات مشترک، چندین جلسه گذاشتیم و کار را شروع کردیم.

پزشک: همانطور که خانم خلیلی گفتند، به این نتیجه رسیدیم که یک چنین چیزی را لازم داریم، بعد طی جلسات متعدد، اهداف و سطح مخاطبین و موضوعاتی را که باید به آن می‌پرداختیم، مورد بررسی قرار دادیم و با تهیه مطالب پیش دفتر خدمت سرپرست محترم سازمان رسیده، موافقت ایشان را کسب نمودیم. به این ترتیب تقریباً شش ماه پس از اولین جلسه‌مان، پیش دفتر روایت از زیر چاپ بیرون آمد. اولین جلسه‌مان اول مهر ۱۳۷۳ بود و پیش دفتر در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۷۳ چاپ شد.

سمپاد: چرا نام «روایت» را برگزیدید؟

پزشک: دلیل خاصی نداشت. ابتدا هر کس چندین اسم پیشنهاد کرد، اسمهای متنوعی فهرست شد، یک جلسه سر اسم‌ها بحث کردیم و به نتیجه‌ای نرسیدیم، دست آخر من همینطوری گفتم «روایت» و همه گفتند خوب است.

کاشفی پور: البته قرار بود که موقتاً «روایت» باشد، که بعداً همین نام جا افتاد.

سمپاد: رده سنی مخاطبین روایت، چه افرادی را شامل می‌شود؟ به نظر شما آیا روایت تنها نیاز بچه‌های سازمان است یا یک نیاز همگانی؟

صبرآموز: فکر می‌کنم مجله‌ای مثل روایت یک نیاز همگانی است، این قضیه ربطی به شروع کار توسط ما ندارد. البته ما برای آغاز کار از بچه‌های سازمان شروع کردیم و البته روایت اگر بخواهد به طور عمومی توزیع شود، حتماً یک سری تغییرات باید داشته باشد.

چایچی: رده سنی مخاطبین روایت را بچه‌های دبیرستانی که در سازمان تحصیل می‌کنند فرض کرده‌ایم، این هم طبیعی است که هر کس دوست داشته باشد، می‌تواند روایت را بخواند.

سمپاد: آیا حقیقتاً روایت تنها عرصه دانش‌آموزان است، یعنی تنها یک مجله برای درج آثار بچه‌ها است، یا هدف دیگری را دنبال می‌کند؟

کاشفی‌پور: درج آثار بچه‌ها به خودی خود نمی‌تواند یک هدف باشد بلکه هدف این بوده که آثار و افکار بچه‌ها از تشتی که به علت گستره پهناور کشور و علایق و سلیق مختلف بر آنها عارض است خارج شده، جهت خاصی پیدا کند و به این طریق پلی ارتباطی برای آینده سازان این مرز و بوم به وجود آید، البته تا آنجا که دستان می‌رسد.

شریعتی: من احساس می‌کنم، در سطح مجلاتی که برای رده سنی جوان و نوجوان تهیه می‌شود این یک مشکل باشد، در سطح مجلات بزرگ سالان معمولاً این طور است که عده‌ای با خطر فکر مشخصی مجله‌ای را تهیه می‌کنند و به نشر آرا و افکار خود و همفکرانشان می‌پردازند، اما مجلات جوانان و نوجوانان معمولاً جنگی است از آثار بچه‌ها و کسانی که برای بچه‌ها می‌نویسند.

کاشفی‌پور: اول همه مجلات، جملاتی از این دست به چشم می‌خورد که مقالات بیانگر نظر نویسندگان است و مجله هیچگونه مسئولیتی را در مورد مقالات به عهده نمی‌گیرد، اما همه مجلات هر مقاله‌ای را چاپ می‌کنند و جهت می‌بخشند. این یکی از اصول کار مطبوعاتی است.

سمپاد: در ذهن عده‌ای تداعی شده که روایت یک مجله ادبی است. این موضوع تا چه حد، با اهداف و تعاریف شما از روایت مطابقت دارد؟

پزشک: به نظر ما ادبیات - به خلاف عقیده خیلی‌ها - یک هدف نیست، ادبیات یک وسیله خوب است که باید از آن استفاده کرد و عقاید خود را بیان نمود. طبیعتاً ما تا آنجا که توانسته‌ایم سعی کرده‌ایم از این وسیله حسن استفاده را بنماییم. این که بعضی از بچه‌ها فکر می‌کنند روایت یک مجله ادبی است از آنجا ناشی می‌شود که ادبیات را خود یک هدف می‌گیرند. ادبیات ابزاری است برای بیان مستقیم و غیر مستقیم و انتقال آرا و عقاید.

شریعتی: من دقیقاً نمی‌دانم مجله ادبی چه ویژگی‌هایی دارد. اما فکر می‌کنم اگر یک مجله ادبی بخواهد تهیه شود باید شامل مقداری تاریخ ادبیات و اندکی نقد ادبی و بخشی از آثار جدید و قدیم و کمی هم از ادبیات سایر کشورها باشد. اما اینکه برای نوشتن چه سبکی مورد استفاده قرار گیرد دخلی به نوع مجله ندارد و به عهده نویسنده است که نوع نشرش را در خور مقاله و حرفی که دارد انتخاب کند و بسته به چیره دستی خود آن مطلب را در قالب مطلوب انتقال دهد. اما در «روایت» گاهی اوقات مطالب به خاطر چیره دست نبودن نویسندگان با نوع نثری که انتخاب می‌شود ناهمگون است. خوب این طبیعتاً مشکل‌زا است ولی اینکه به واسطه رنگ و قالب نوشته‌ها، روایت یک مجله ادبی انگاشته شود البته این طور نیست.

پزشک: بالاخره هر نوشتاری در غالب ادبیات و سبک‌های ادبی می‌گنجد، لزوماً اگر در یک نشر از فرهنگ لغات رایج قرن چهارم و پنج استفاده شود، آن نثر ادبی نیست، بلکه هر نوشته که از لغات و دستور زبان بخواهد استفاده کند حتماً در قالب یک سبک نگارش می‌گنجد.

شریعتی: یکی دیگر از عواملی که سبب شده است این ذهنیت ساخته شود، خبر مربوط به انتشار روایت در مجله سازمان بود که آن را به عنوان یک مجله ادبی معرفی نمود. در صورتی که موضوع کار روایت تمامی مقولاتی است که به نوعی به فرهنگ مربوط می‌شود، حال ادبی باشد، اجتماعی باشد، هنری باشد یا...

سمپاد: چرا اینقدر روی مسایل «مذهبی» تأکید دارید و چنین حجم نسبتاً زیادی از روایت را به آن اختصاص داده‌اید؟
صبرآموز: این که می‌گویم نظر شخص بنده است، البته دیگران هم اگر چیزی داشته باشند اضافه می‌کنند، مسایل مذهبی با این همه رویکرد که به آن اشاره شده است باز هم خصوصاً در سالهای اخیر غریب مانده است، برای یک عده طوری شده است که اگر بیکار شدند می‌روند سراغ مذهب. ولی ما فکر می‌کنیم که حرف اول را در این دنیا مذهب می‌زند، یعنی آن چیزی که همه چیز به پاسخ دادن به سؤالات آن و نحوه برخورد با آن برمی‌گردد.

چایچی: خود مذهب هم به معنی راهی برای زندگی است و روشی که تمام زندگی بر اساس آن باید پیموده شود.
پزشک: در تکمیل حرفهای ایشان من باید بگویم، این مسئله برمی‌گردد به دیدی که ما نسبت به مذهب داریم، یعنی در واقع مذهب را جزیی از زندگی خود نمی‌دانیم بلکه تمام شؤونات زندگی خود را زیر مجموعه مذهبمان می‌بینیم. یعنی این طور نیست که بیایم تقسیم کنیم: کار، درس، تفریح، مسایل دینی و... بلکه این گونه است که تمام اینها جزو دین ماست و زندگی ما را دین تشکیل می‌دهد. با این نگرش دین چیزی نیست که قابلیت کنار گذاشته شدن یا حتی کم مطرح شدن داشته باشد.
سمپاد: چرا بعضی‌ها از صراحت در بیان مسایل مذهبی و معارف اسلامی در آثار خویش بیم دارند. به نظر شما آیا در وارد شدن از یک دیدگاه خاص به منابع معارف اسلامی مثلاً نظر کردن با دیده ادبی یا فلسفی یا تاریخی و... محدود نگری را به دنبال نخواهد داشت؟ و آیا شما مطمئنید که خود به یک سو نگری دچار نیستید؟

کاشفی پور: متأسفانه اینکه بعضی‌ها از این مطلب بیم دارند به خاطر این است که در این گونه موضوعات ما خیلی کوتاه آمده‌ایم، متأسفانه دشمن در همین موضوعات قوی پیش آمده است و به خاطر همین ما ترس پیدا کرده‌ایم. شاید ذات خلقت هم اینگونه باشد که عرضه آن دسته از خواسته‌ها و تمایلات که انسان را به راه کج می‌برد آسان‌تر است تا اینکه آدم به موضوعاتی بپردازد که او را به راه حقیقت می‌برد، یعنی مخاطبه و گفتگو درباره خصوصیات دنی آدمی بسیار راحت‌تر از صحبت کردن پیرامون خصایص علوی آدمی است و این ویژگی سبب شده است که دشمن با استفاده هوشمندانه از قوای خود و همزمانی این موضوع با برخورد غلط و ساده اندیشانه بعضی از دوستان جاهل با اینگونه مسایل، زمینه را برای سست شدن زبان و قلم و بیم از صراحت در بیان مسایل عقلی - دینی ایجاد نموده است.

شریعتی: من نمی‌دانم با توجه به مسایلی که در قبل بیان شد و عرض شد که «دین» تمام زندگی ما را تشکیل می‌دهد پاسخ به این سؤال داده شده است یا خیر، اما اگر واقعاً این یک اتهام است که ما با آن دیدگاهی که نسبت به دین داریم مجبوریم که همه چیز را از یک دریچه و یکسو نگاه کنیم، شخصاً این اتهام را می‌پذیریم و البته این نکته هم فراموش نشود که دین اسلام به اندازه کافی ذوابعد هست که رفع این اتهام نماید.

کاشفی پور: از این - به قول آقای شریعتی - اتهام بوی لحن معتقدین به «نسبت حقیقت» می‌آید که می‌رسد به آنجا که «شما از کجا می‌دانید که عقاید شما درست است؟» و البته این بدیهی است که انسان در هر لحظه از زندگی دارای عقیده‌ای است که حداقل برای خود او درست است و او تابع و مدافع آن عقیده است. اگر این گونه نباشد هیچ کس نمی‌تواند صاحب عقیده و اعتقادی باشد. به صرف این که یقین ندارند عقیده او درست است یا خیر.

چایچی: حال اگر منظور از «سو» جهات مختلفی باشد که دین برای نگرستن به عالم هستی در اختیار ما می‌گذارد، البته ما سعی بر این داریم که از همه جهات دیدگاههای مذهبی را که برای خودمان نمودار شده است، عیان کنیم و مسلم است این که

این موضوع احتیاج به مرور زمان و یاری یاران دارد و انتخاب این دریچه‌ها برای گفتن و نوشتن در خور فهم و ادراک خود ما و مخاطبین ماست.

سمپاد: تشویق به خواندن و تفکر و تدبر در قرآن در روایات اهل بیت بدون آن که مقدمات این کار فراهم شده باشد نمی‌تواند ضرر داشته باشد؟

پزشک: بستگی دارد، مثلاً واضح است که آن موقع که قرآن نازل شد و یا روایات از ناحیه ائمه صادر گردید، مقدمه‌ای چیده نشد و مسلم است که قرآن و روایات برای استفاده بشر می‌باشد، ولی اگر ذهنی کج‌تاب بود و از حرفی برداشت غلط می‌کرد، برای بسته شدن این راه، خوب طبیعی است که مقدمات و مسایلی لازم است. و البته اگر قرار باشد که هر کسی بخواهد روش زندگی خود را از روی قرآن و حدیث برداشت نماید، احتیاج به یک سری ابزار دارد که کمترین آن آشنایی کامل و دقیق به زبان عربی است.

کاشفی‌پور: یکی از خصوصیات قرآن، آن است که هر کس با هر سطح سواد و معلوماتی می‌تواند از آن برداشت کند، مشخص است که اگر کسی میل به تعالی داشته باشد باید بکوشد تا لوازم درک بهتر قرآن و حدیث را فراهم کند.

شریعتی: من شخصاً یکی از مشکلات ارتباط برقرار نکردن نسل جوانان را با منابع اولیه دین اسلام، یک سری عقاید سفت و سخت مقدس مآبانه گذشتگان در برخورد با اینها می‌دانم، که یک حریم محکم و سختی را می‌گذاشتند برای نزدیک شدن به اینها و این سخت‌گیری، و رها کردن اصل قضیه برای رعایت فرعیات را باعث این می‌دانم که قرآن و احادیث تبدیل شود به وسایل دکوری طاقچه‌ها و رفته‌ها تا مگر کسی بمیرد و دو آیه از آن خوانده شود، یا عیدی برسد و از لای آن پولی عیدی داده شود. این گونه برخوردهای متعصبانه و مقدس مآبانه علاوه بر این که نسل نو را از این منابع بی‌بهره نموده است، در اینجا این اندیشه که دین یک چیز اسطوره‌ای، افسانه‌ای و خرافی است، نقش مهمی داشته است.

سمپاد: سازمان تکیه خاصی بر این مطلب دارد که دانشمندی متعهد و مسلمان تربیت نماید و تمام برنامه‌هایش را با ترویج کردن علم و تعهد پی‌می‌ریزد. چرا روایت بر خلاف دیگر برنامه‌های سازمان از مطالب علمی خالی است، آیا این روند ادامه خواهد داشت؟ خلیلی: از آنجا که اکثر فعالیتهای سازمان علمی صرف است، احتیاج به یک فعالیت فرهنگی صرف هم هست که در کنار هم همدیگر را کامل می‌کنند و مشخصاً این روند در روایت ادامه خواهد داشت.

چایچی: البته منکر این قضیه نشویم که باید روح تعهد در تمام کارها، چه علمی و چه فرهنگی، جاری باشد. سمپاد: آیا با توجه به حجم اهدافی که دارید، تناسبی بین اهداف خود و کمیت و کیفیت فعالیتهای فرهنگی خویش می‌بینید؟ صبرآموز: جوابش مسلماً «نه» است، البته هر کس به هر اندازه بتواند، سعی می‌کند این کمبودها را جبران کند و از آن جایی که هست جلوتر رود.

سمپاد: صفحات مجله را بر چه اساسی بین مطالبان تقسیم می‌کنید و این تقسیم‌بندی تا چه حد ثابت است؟ کاشفی‌پور: اول بنا داشتیم که صفحات را به طور مشخص بین مطالب تقسیم کنیم، اما به خاطر جای بسیار کم در روایت عملاً نمی‌شود تراز خاصی را گذاشت. در حال حاضر تقسیم مطالب بر اساس تنگی جا و اولویتهای موجود است. پزشک: که طبیعتاً به خاطر تنگی بیش از حد جا و فواصل زمانی زیاد انتشار، کمی از دقت اولویت بندی کاسته می‌شود. سمپاد: آیا قرار است این بخشهای موجود مجله ثابت بمانند، آیا بخشی اضافه و کم نخواهد شد؟

چایچی: اضافه و کم می‌شود. مثلاً اگر یک وقت احساس کردیم بخشی جای خود را پیدا نمی‌کند، حذفش می‌کنیم و یا بخش «هر چه می‌خواهد دل تنگت بگو» را به پیشنهاد یکی از بچه‌ها در دستور کار قرار دادیم یا مثلاً بخش پرسش و پاسخ که جدیداً اضافه شده است.

خلیلی: این توهم که بین بچه‌ها ایجاد شده است که نمی‌توانند بخشهای جدیدی پیشنهاد کنند، چیز درستی نیست و ما از پیشنهاد بخشهای جدید درخور مجله با توجه به امکانات استقبال می‌کنیم و در صورت لزوم جایگزین بخشهای موجود خواهیم کرد.

سمپاد: در این چند دفتر سرمقاله‌ها با اینکه از دیگر مطالب کوتاه‌تر و مختصرتر بوده‌اند، برجسته‌تر و جذاب‌تر نموده‌اند، آیا این موضوع اتفاقی بوده است، یا خودتان بر آن نظر داشته‌اید؟

شریعتی: سرمقاله را معمولاً سردبیر مجله می‌نویسد، اما چون مجله ما سردبیر مشخصی - البته به جز سردبیرهای افتخاری - ندارد، معمولاً سرمقاله را همه می‌نویسند و از بین آنها نهایتاً مورد مطلوب‌تر انتخاب می‌شود و به خاطر جایگاه سرمقاله با دقت و وسواس بیشتری خوانده می‌شود و سعی هم بر این است که تمام سرمقاله‌ها یکدست نوشته شوند.

سمپاد: یک بخش درروایت وجود دارد که ظاهراً خودتان از آن با عنوان «مناسبتها» یاد می‌کنید هدف از گذاردن این بخش چیست؟ آیا این بخش هدفی خاص‌تر از بخش قطعه را دنبال می‌کند؟

خلیلی: در طول یک فصل مناسبت‌های زیادی وجود دارد که غالباً مورد توجه قرار می‌گیرد، سعی بر این است که یکی یا تعدادی از آنها را انتخاب کرده، پیرامون آن مطلب داشته باشیم.

شریعتی: ملاک انتخاب این مناسبتها این گونه است که در بین اتفاقاتی که مورد نظر هستند، آنهایی که دارای پیام برجسته‌تری بوده، نظر و رأی درباره آنها زیر ساخت فکری و عقیدتی ماست برگزیده می‌شود و در قالبهای متنوع به آن پرداخته می‌شود، اما اساساً قالب خاصی را در نظر نمی‌گیریم، چه ممکن است مطلب مورد نظر یک شعر باشد، یا یک قطعه یا حتی یک عکس.

سمپاد: آثار بچه‌ها برای درج در بخش قطعه و شعر و داستان با چه معیاری انتخاب می‌شوند؟

پزشک: کلاً اینکه از لحاظ تکنیکی ایراد کلی نداشته باشند و حداقل برای ده‌هزار خواننده قابل خواندن باشند و البته دارای حرف و پیامی باشند برای انتخاب کافی است و بدیهی است که تکنیک متناسب با سن و سال و توقعی که از نویسنده می‌رود سنجیده می‌شود.

سمپاد: نوسروده‌ها را با چه ملاکی از بخش شعر جدا کرده‌اید؟

شریعتی: به خاطر مباحث جنجال برانگیزی که در این زمینه بین اهل فن وجود دارد، ما چون خواستیم درگیر بحث «قالب و محتوی» و «فرم و معنی» نگردیم، گفتیم قالبهای کهن را در بخش شعر و قالبهای نو را در بخش نوسروده‌ها جای می‌دهیم.

سمپاد: یکی از بخش‌های موضوع بحث روایت «گزیده متون» است. این بخش چه هدفی دنبال می‌کند؟

پزشک: آشنایی با مشاهیری که چندان هم مشهور نیستند ولی شایستگی این شهرت را دارند، حداقل برای کسانی که می‌توانند، از نکات مثبت آنها الگوبرداری کنند، خالی از لطف نیست. البته این بخش هم صرفاً مقدمه‌ای برای آشنایی است، نه یک معرفی کامل.

سمپاد: زمان و نحوه نگارش دو بخش با وحی و با عترت سخت و سنگین است و به نظر می‌رسد در فهم گفته‌ها و نوشته‌ها خلل وارد کند. این طور نیست؟ و آیا این موضوع دانسته است؟

صبرآموز: من توقع داشتم سؤال شود که چرا این دو بخش نثر تا این حد سبک و روان است تا جایی که گاهی به نثرهای احساسی و قطعه‌ها مانند می‌شود.

شریعتی: به نکته خوبی اشاره کردند. البته علی‌الظاهر شاید سنگینی موضوعات و مفاهیم این دو بخش بر روی نثر سایه می‌اندازد. ما به نوبه خود بخشهای فنی‌تری در روایت نیز داریم. در بخش‌های باوحی و با عترت معمولاً سعی می‌شود حتی

اگر از جایی مطلب اقتباس می‌شود برای ساده فهم تر شدن مطلب تغییراتی در آن بدهیم. البته این بدان معنی نیست که جای کار کردن ندارد و ما امکان بهتر شدن رانفی می‌کنیم. مسلماً اگر دوستی پیدا شود و این موضوعات را جذاب تر و ساده فهم تر بنویسد فبها المراد.

سمپاد: وقتی نامه‌های بچه‌ها را دریافت می‌کنید چه احساسی دارید؟ برخوردتان چگونه است؟

خلیلی: نامه‌هایی که برای این مجله می‌آید بهترین مشوق برای کار کردن است و ارتباط با مخاطبین یکی از مهمترین ارکان یک مجله می‌باشد. طبیعتاً خوشحال می‌شویم و تک تک آنها را در جلسه رسمی روایت می‌خوانیم. آثار قابل درج را تفکیک می‌کنیم و تمام نامه‌ها را هم بایگانی می‌کنیم. البته با توجه به محدودیت جا بیش از این نمی‌توانیم از حجم نسبتاً زیاد نامه‌ها استفاده بهینه را به عمل آوریم.

سمپاد: بخش «با هم» را با چه ایده‌ای طرح ریخته‌اید؟

شریعتی: این بخش با این هدف پی‌ریزی شد که جایی باشد تا در آن بتوان با دوستان رودرو صحبت کرد، در نظر هم نداریم که حتماً در این بخش جواب نامه بدهیم. به همین خاطر هم هست که بعضی از نامه‌ها با پاسخهایی که به آن داده می‌شود به نظر بی ربط می‌رسد.

سمپاد: از دفتر دوم بخش «نامه سردبیر» به فهرست روایت افزوده شد و در هر دفتر شهیدی به عنوان سردبیر افتخاری معرفی می‌شود، انگیزه شما از این کار چه بود؟

کاشفی پور: ایده این بخش خیلی تصادفی در حاشیه یکی از جلسات روایت به ذهنمان رسید، البته قرار هم بر این نیست که همیشه از شهدای جبهه و جنگ سردبیرمان را انتخاب کنیم، تمام بزرگان و اندیشمندان و مجاهدان اگر افتخار بدهند می‌توانند سردبیر روایت باشند. اما فعلاً روند چنین است که ارجحیت با شهدا باشد و دلیل آن است که شناخت اینان برای جامعه کنونی ما واجب است.

سمپاد: راجع به بخش «تاریخ»، تاریخ را با چه دیدگاهی می‌نگرید و معرفی می‌کنید؟

کاشفی پور: حقیقتش این است که در بخش تاریخ هم ما مثل بقیه جاها، برای اینکه بتوانیم یک بخش مفصل و تحلیلی را بگنجانیم جا کم داریم. مسئله دیگر این که دید ما، دید تاریخ نگارانه صرف نیست و این بخش هم از نگاه یک مورخ صرف نوشته نمی‌شود، تک رخدادهایی انتخاب می‌شوند که بتوان پیرامون آن به نکات برجسته فرهنگی و زمینه‌های عبرت آموز اشاره نمود.

سمپاد: بخش «هنر» با چه هدفی پیش می‌رود؟

کاشفی پور: به هیچ وجه در بخش هنر قصد آموزش نداریم، این را به این دلیل عرض می‌کنم که در بعضی از نامه‌ها از ما خواسته می‌شود که آموزش کارهای هنری داشته باشیم، بخش هنر با این هدف پیش می‌رود که هنرهایی را که در ذیل هنرهای اسلامی می‌گنجد و احیاناً دچار تغییر و تحولاتی شده معرفی کرده و ساختار اصلی آنها را مشخص کند و بیان کند که مثلاً فلان هنر ریشه‌اش چه بوده و چگونه به وجود آمده و چه جایگاهی در اندیشه اسلامی و وضعیت فعلی ما دارد و البته راستای دیگر این بخش پرداختن به هنر امروز است.

سمپاد: جایزه بخش مسابقه چیست؟ چرا مسابقات بعضاً گنگ و نامفهومند؟

چایچی: فکر می‌کنم خصوصیت یک مسابقه است، که کمی گنگ و نامفهوم باشد چه اگر قرار باشد مسابقه ساده باشد، مسلماً همه برنده خواهند شد.

پزشک: در مورد جایزه هم ما فکر می‌کردیم همین که برگزیده این مسابقه‌ها در روایت چاپ شود کافی است اما ظاهراً ما خودمان را خیلی تحویل گرفته بودیم و بچه‌ها اینقدر ما را تحویل نگرفته بودند. سعی می‌کنیم از این به بعد جایزه کادوپیچ شده‌ای داشته باشیم، تا ببینیم مشکل بچه‌ها حل می‌شود یا نه؟

سمپاد: آیا موضوعات سؤالهایی که می‌توانند در پرسش و پاسخ مطرح شوند خاص هستند؟
پزشک: نه، طبیعتاً هر سؤالی می‌تواند باشد و هر پاسخی نیز اگر شرایط یک پاسخ منطقی را داشته باشد از سوی بچه‌ها پذیرفته است.

شریعی: بچه‌های سازمان اصولاً به خاطر ذهن پیشرفته‌ای که دارند خیلی زود سؤالهایی اساسی درباره‌ی مسایل بنیادی تفکر اعتقادی برایشان ایجاد می‌شود، که البته بعضاً در پاسخ دادن به این سؤالها با آنها برخورد نامناسبی می‌شود و سؤالات آنها سرکوب می‌گردد و این شاید به علت آن است که بعضی‌ها نمی‌توانند آن طور که باید به این سؤالها پاسخ دهند. ما تصمیم گرفتیم که واقعاً آن سؤالاتی که اساس ذهن دوستان جوآترمان را مشغول کرده است درج کرده و پاسخهایی در وهله اول از خود بچه‌ها و در وهله بعد از کسانی که پاسخ‌های قانع کننده‌ای به این سؤالات دارند بدهیم.

سمپاد: کارهای اجرایی روایت چگونه انجام می‌شود؟ روند تهیه یک دفتر چیست؟
خلیلی: بخش‌های مجله بین اعضا تقسیم شده و هر چند بخش یک مسئول دارد، تاریخی به عنوان روز بستن مجله تعیین می‌شود، مسئول هر بخش موظف است حداکثر تا آن تاریخ مطالب بخش را نوشته یا تهیه کند، بعد مطالب برای تایپ می‌رود و پس از تایپ، صفحه‌بندی و ویرایش و کارهای گرافیکی انجام می‌شود. بعد از آن به نظر مدیر مسئول می‌رسد و ایشان اگر نقطه نظری نداشتند مجله، برای چاپ می‌رود.

سمپاد: چند درصد از کل کار مجله روی دوش شماست؟ چقدر از وقتتان را به روایت اختصاص می‌دهید؟
شریعی: کل کار مجله با خودمان است و به طور مداوم حداقل هفته‌ای دو ساعت پنج‌شنبه صبح‌ها جلسه رسمی داریم که به قرائت نامه‌ها و انجام کارهای مجله می‌گذرد و در طول هفته هر کس از جمع، کار مانده‌ای داشته باشد می‌آید و انجام می‌دهد.
سمپاد: مدیر مسئول مجله به عنوان یکی از بالاترین مقامهای فرهنگی کشور چقدر در سیاستگذاری روایت نقش دارند و چه میزان در تهیه مجله اهتمام می‌ورزند؟

پزشک: ایشان کل روایت را می‌بینند و اصلاحات و پیشنهادات خود را به ما تذکر می‌دهند ولی به طور کلی دستمان را باز می‌گذارند، در سیاستگذاری اولیه ایشان نقش زیادی نداشتند و فقط به عنوان یک حامی خوب همیشه هوای ما را داشته‌اند و تجربیات مفید فرهنگی خویش را در اختیار ما گذاشته‌اند. به طور کلی برای هر دفتر یک یا دوبار با هم جلسه داریم و بی‌شک بدون حمایت‌های ایشان روایت نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

سمپاد: این فشردگی مطالب در روایت آیا مطلوب است؟
خلیلی: طبیعی است که فشردگی مطالب برای ما مطلوب نیست، اما امکانات مجال بیشتری به ما نمی‌دهند.
سمپاد: درباره‌ی طرحهایی که داخل مجله استفاده می‌شود معیار انتخاب چیست. معمولاً با چه هدفی از طرحهای گرافیکی استفاده می‌شود؟

مصدقی: معمولاً مطالبی که خود بچه‌ها می‌نویسند طرحهایی که به نظرشان می‌رسد را پیشنهاد می‌دهند اگر هم موضوعاتی پیشنهاد نشود بچه‌هایی که کار گرافیک را به عهده دارند خودشان طرح‌ها را کشیده و تحویل می‌دهند هدف استفاده از طرح‌های گرافیکی در یک مجله، یکی استراحت چشم در هنگام خواندن مطالب است و یکی هم کمک به فهم مطلب، ولی باز هم به علت فضای کمی که در اختیار داریم از این امکان استفاده کافی را نمی‌توانیم ببریم.

سمپاد: آیا با توجه به این موضوع حجمی که به طرح‌ها اختصاص داده می‌شود، کافی است؟ امکانات اجرایی چقدر دست شما را باز می‌گذارد؟

مصدقی: نه، عرض کردم که نمی‌توانیم به حد کافی از طرح‌های گرافیکی استفاده کنیم، و مجبوریم از طرح‌های کوچک استفاده کنیم، سیاه و سفید بودن مجله هم دست ما را می‌بندد و کمبود امکانات قدرت اجرای بعضی از طرح‌ها را از ما می‌گیرد.

سمپاد: نوبت انتشار ضمیمه روایت آیا کافی است؟ آیا توانایی تهیه دفاتر بیشتری را در سال دارید؟

پزشک: ما دوست داریم و توانایی آن را هم در خود می‌بینیم که تعداد روایت‌ها را بیشتر کنیم، حتی بین خودمان قرار بود در سال ۷۴ روایت را دو ماهنامه کنیم ولی با صحبتی که با مدیر مسئول کردیم، ایشان فرمودند، امکان چنین امری فعلاً نیست.

سمپاد: در کنار تهیه روایت آیا برنامه دیگری هم برای دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان سازمان دارید، آیا تا به حال سعی بر برقراری ارتباط با آنها کرده‌اید؟

پزشک: در کنار تهیه روایت برنامه‌های دیدار با بچه‌ها در مراکز را داریم که به چند مرکز تا کنون در این رابطه سرزده‌ایم اما چون اعضای روایت دانشجو هستند و معمولاً وقت‌های آزادشان با هم تطابق ندارد، این برنامه فعلاً با نظم خاصی دنبال نمی‌شود، ولی انشاءالله به همه مراکز خواهیم رفت و حرف‌های بچه‌ها را به گوش جان خواهیم شنید و از آنها مطمئناً استفاده خواهیم کرد. از فارغ‌التحصیلان سازمان هم به انحاء مختلف چه دسته جمعی و چه فرد فرد دعوت به همکاری کرده‌ایم، در ضمن شورای نویسندگی هم می‌خواهیم تشکیل دهیم که شامل تمام دوستانی می‌شود که می‌توانند به طور مداوم و منظم با روایت همکاری کنند.

خلیلی: تشکیل شورای نویسندگان به این دلیل است که می‌خواهیم نویسندگان و طبعاً نوشته‌های روایت فراوان‌تر، با حرف‌های مختلف و از دیدهای مختلف باشد و امیدواریم که دوستان با ما همکاری نمایند به خاطر همین مطلب در نظر داریم در شهرستانها از بچه‌های مراکز نماینده‌هایی انتخاب کنیم تا امور روایت را در شهرهای خود زیر نظر بگیرند و رابط روایت با بچه‌های مراکز باشند.

سمپاد: شب‌های شعر و ادبیات جشنواره‌ها و کارسوقها را چگونه در روند کار خود سهیم می‌کنید؟

شریعتی: معمولاً اینگونه فعالیتها به صورت مقطعی و کوتاه مدت برگزار می‌شود، اما ما سعی می‌کنیم از آثار و نتایج این برنامه به صورت‌های مختلف در روایت استفاده کنیم، حال چه به صورت گزارش یا در بخش‌های مختلف روایت.

پزشک: مطلب دیگر اینکه ما سعی می‌کنیم در اینگونه برنامه‌ها شرکت کنیم و به طور مستقیم از نظرات بچه‌ها در مورد روایت و نوع کارهای فرهنگی استفاده کنیم.

سمپاد: از خودتان بگویید؟ سابقه کارهای فرهنگی‌تان در چه حد است؟

پزشک: در مورد کارهای فرهنگی هم چیزی که بتوان سابقه قابل تفاخری نامید - یا حتی قابل ابراز - به ذهنم نمی‌رسد ولی تا جایی که توانسته‌ام هم و غم خود را روی کار فرهنگی - البته به تعریف خودمان از فرهنگ - گذاشته‌ام. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

چایچی: نمی‌دانم منظورتان از کار فرهنگی چیست، اما بنده هیچوقت سابقه‌دار نبوده‌ام. می‌توانید از دادگستریها هم پرسید.

خلیلی: به عنوان فعالیت مطبوعاتی در جلسات و نشستهای مجله سروش نوجوان و بخش ۱۸-۱۳ ساله‌های مجله زن روز حضور داشته‌ام و بعضاً مطالبی در این نشریات نوشته‌ام، در نشریه کم عمر همشهری نوجوان نیز بخش تاروپود را می‌نوشتم. هم اکنون بخش باران را می‌نویسم با گروه کودک شبکه یک سیما نیز همکاری دارم.

مصدقی: فعالیتهای فرهنگی من به طور نا پیوسته و نه چندان مستمر در دانشگاه و مدرسه صورت می‌گیرد.

شریعتی: البته در طول این مصاحبه هر چه گفتم از خودم گفتم، از هیچ جا نخوانده‌ام و نگفتم، همه‌اش از خودم بود. بعد هم کارهای فرهنگی من خیلی خیلی کم است و قابل صرف نظر کردن، من خود را جزو ابزارمندان ضعیف می‌دانم. با دوپینگ و سه‌پینگ هم درست نمی‌شود که نمی‌شود.

کاشفی پور: در فعالیتهای فرهنگی سازمان و دانشگاه شرکت داشته و همکاری می‌کنم.

سمپاد: میزان مطالعه شما چقدر است؟ چه مقدار از آن را برای روایت اختصاص می‌دهید؟

پزشک: متأسفانه اصلاً مطلوب خودم نیست. ولی تا به حال اگر کاری در روایت انجام داده‌ام حتماً مفید بوده‌ام که قبلش مطالعه کافی داشته باشم.

چایچی: مطالعه اصلاً هیچ وقت با میزان قابل سنجش نیست (و در ضمن اگر هم از میزانی برای اندازه‌گیری مطالعه استفاده کنم آن ترازو احتمالاً ترازوی همولتیک خواهد بود) اما اگر از وسیله‌ای غیر از ترازو استفاده کنم، فکر می‌کنم غیر از مطالعات درسی، حداقل یک ساعت در روز به طور متوسط مطالعه آزاد دارم. همیشه هم در هر، مطالعه‌ای چه درسی و چه غیردرسی، مد نظر دارم که اگر ممکن بود، از آن مطلب برای روایت استفاده کنم. چه مستقیم باشد و چه غیرمستقیم.

خلیلی: کم و بسیار از این وضع ناراضیم.

مصدقی: به علت حجم کارهای عملی زمان کمی را به مطالعه اختصاص می‌دهم. (گرچه از همان زمان هم خوب استفاده نمی‌کنم). شاید بیشتر مطالعاتم محدود به مطالعات بصری است، مطالعات اختصاصی برای روایت خیلی زیاد نیست. اما سعی می‌کنم، همیشه روایت را هم بین موضوعات دیگری که در ذهن دارم - گنج‌انیده - داشته باشم.

شریعتی: شرمنده نزد اهل دل از بی‌کمالی‌ام من ساغر شکسته از باده خالی‌ام.

کاشفی پور: نا کافی، متأسفانه در پاسخ هر دو بخش.

سمپاد: آیا از نتیجه تلاشتان راضی هستید؟

پزشک: تا تلاش را چه تعبیر کنیم، ولی از نتیجه روایت ناراضی نیستم، اما آرزو دارم به چیزهایی که مطلوب‌مان است هر چه زودتر نزدیک‌تر شویم.

سمپاد: تحصیل، رشته تحصیلی و دانشگاه، حرفی در این مورد دارید؟

پزشک: به دلیل عدم وجود دید باز در انتخاب رشته، الان اصلاً با تحصیلم در دانشگاه میانه خوبی ندارم و به همین دلیل فعالیتیم در دانشگاه حداقل ممکن است ولی با این همه مواردی که جسته گریخته می‌شنوم، می‌بینم، یا شرکت می‌کنم - اگر صلاحیت داشته باشم - سطح فرهنگ و فعالیتهای فرهنگی - دانشجویی را در دانشگاه بسیار پایین و نامتناسب با اهداف فرهنگی و متعهد پروری نظام مقدس‌مان می‌بینم.

چایچی: اکثراً به عنوان شنونده استفاده می‌برم و به ندرت به طور جنبی فعالیت می‌کنم. چون آدم اگر یک هندوانه را به تنهایی بلند کند بهتر از این است که تلاش کند تا چند هندوانه را هم بلند کند.

خلیلی: هرچند سخت است ولی خیلی خوب است آدم بتواند کارهای فرهنگی را طوری ادامه دهد که به وضعیت درسی دانشگاهی لطمه وارد نکند که متأسفانه در مورد من اینطور نیست. در دانشگاه ما هم (شهید بهشتی) به خصوص دانشکده ریاضی فعالیتهای فرهنگی چشم‌گیری وجود ندارد.

مصدقی: راضیم از اینکه زمان کنکور این گستاخی را داشتم که رشته گرافیک را انتخاب کنم نه رشته دیگری. در کارهای فرهنگی هم جسته گریخته بله، حداقل در دانشگاه خودمان «فعالیت» دانشگاهی زیاد است اما فعالیتهای فرهنگی به معنایی که ما از فرهنگ داریم شاید تحت تعداد بسیار بسیار کم و محدودی از کل فعالیتها تأمین شود.

شریعتی: شاید خیلی بی انصافی می‌کنم اما، اسم کارهایی که در دانشگاه صورت می‌گیرد را بازیه‌های فرهنگی می‌گذارم، دانشگاه تهران پر است از جنگولک بازیهایی که به نام فرهنگ رواج می‌دهند، اما این به اصطلاح فعالیتها صنار نمی‌ارزد. کاشفی پور: این قضیه دانشگاه بحث مفصل جداگانه ای نیاز دارد، در یک کلام اوضاع این مراکز حساس کشور چه در جهات علمی صرف و چه از نظر فرهنگی اصلاً مساعد نیست.

سمپاد: چه مجلاتی را می‌خوانید، آیا مجلاتی را که هم طراز روایت هستند را می‌بینید؟ پزشکی: خیلی و هیچ، اما اصولاً گرایشم به مجلات غیر علمی است، تا آنجایی هم که گشته‌ام، مجله ای با حال و هوا- و نه لزوماً سطح- روایت ندیده‌ام.

چایچی: مجله خاصی را به طور مداوم نمی‌خوانم ولی از مجلات، دانشگاه پژوهاک و تلاش را که به صورت گاهنامه منتشر می‌شوند می‌بینم.

خلیلی: دو سالی است که به طور مداوم مجله ای را پیگیری نمی‌کنم.

مصدقی: مجلاتی را که به ذهنم کمک می‌کنند، با حساسیت بیشتری ورق می‌زنم. هستند مجلاتی که در آنها مطالبی به چشم می‌خورد به سبک و سیاق روایت، اما نشریه‌ای که سرتا ته همطراز و یا تقریباً در یک مایه با روایت باشد ندیدم.

شریعتی: مجله خواندن از یک سو خوب است، اما اگر آدم عادت کند که معلوماتش را از راه مطبوعات کسب کند- به اصطلاح معلومات مجله‌ای در جهت مطالعه کتاب تنبل می‌شود. فرق مجله با کتاب، فرق سرم تزریقاتی است با غذایی که آدم سرسفره می‌خورد یا حتی بیشتر. در هر صورت بنده تقریباً هفت هشت مجله ماهنامه و فصلنامه را مدام دنبال می‌کنم.

کاشفی پور: تا حد امکان به حداکثر مجلات موجود سر می‌زنم. در کلاس روایت از لحاظ مخاطبین یعنی بیشتر دبیرستان و نه راهنمایی متأسفانه تقریباً هیچ مجله‌ای در مقوله فرهنگ، فعالیت جدی ندارد.

سمپاد: کارهای گروهی همواره توأم با خاطرات تلخ و شیرینند، در کار گروهی روایت چطور؟

شریعتی: ساعات خوشی که در روایت و در کنار دوستان می‌گذرد، همگی به یاد ماندنی هستند. در محیطی پر از اخلاص و عمل و صداقت، محیطی که تمام یارانش بی چشمداشتی اوقات خود را صرف خواهران و برادرانشان می‌کنند، خاطره موج می‌زند. روایت خاطره به یاد ماندنی این سالهای همه ماست.

سمپاد: از بزرگان و اساتید چه میزان بهره می‌برید؟ آیا بر کارتان نظر دارند؟

پزشک: از اساتیدی که دم دست دارم، حداکثر استفاده را می‌برم، چرا که در خود مایه‌ای در خور ندیده‌ام و نه می‌بینم. چایچی: نه با آن صورت که در سؤال آمده است. ولی مسلماً کسانی هستند که راهنماییم کنند و ایرادات کار را بگیرند و پیشنهادهای بدهند و...

سمپاد: نمی‌خواهید روایت را تکثیر کنید؟

پزشک: همانطور که در طول مصاحبه بیان شد، امکانات و نیروی کافی نداریم ولی اگر داشته باشیم صد البته می‌خواهیم، این «اگر» هم از آن «اگر» هاست!

چایچی: ولی بنده به نوبه خودم می‌گویم «خیر»، همین یکی را بزرگش کنیم بسمان است! در ضمن اگر این خوب باشد کافی است.

خلیلی: من هم با نظر خانم چایچی موافقم.

سمپاد: از همگی شما به خاطر تلاشتان و شرکت در این گفتگو متشکریم.

